

مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

دکتر مجید عباسی اشلقی*

چکیده

اتحادیه اروپایی با انگیزه های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه گذاری اقتصادی در ایران، توسعه نفوذ در خاورمیانه از طریق جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری بر روند صلح خاور میانه با استفاده از نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران بر گروه های فلسطینی، مقابله و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح های کشتار جمعی و ایجاد نظام چند جانبه گرایی به جای یکجانبه گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و نظام بین الملل و هم زمان با آن ایفای نقش یک قدرت بین المللی اثرگذار در کنار ایالات متحده بویژه در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد.

در برابر اروپا بازیگر مقابل یعنی جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای بهره گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین المللی اتحادیه اروپا در حل بحران های بین المللی، جذب سرمایه گذاری های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسائل گوناگون، بهره گیری از قدرت سیاسی - اقتصادی اروپا در مقابل آمریکا و کم اثر نمودن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن بویژه در زمینه

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

پرونده هسته‌ای، همواره سعی نموده است که روابط خویش با این اتحادیه را گسترش دهد.

اما علی‌رغم تمایل اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران به تقویت و گسترش روابط فی‌مابین ما تاکنون شاهد واهمگرایی در این رابطه بوده ایم. واهمگرایی بدین معنا است که بازیگران مذکور از درجه همگرایی بالایی با هم برخوردار نمی‌باشند، از طرف دیگر با توجه به گرایش‌های موجود و منافع در وضعیت واگرایی نیز به سر نمی‌برند، لذا با یکدیگر در حالت واهمگرایی یعنی وضعیت بین همگرایی و واگرایی قرار دارند.

در راستای مطالب فوق‌الذکر و جهت شناخت علل واهمگرایی در روابط میان اتحادیه اروپایی و جمهوری اسلامی ایران فرضیه اصلی نگارنده عبارت از این است که تعارضات هویتی - ایدئولوژیک مهمترین علت واهمگرایی سیاست خارجی اتحادیه اروپایی در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. لذا اصول تئوریک پژوهش حاضر نیز در جهت تبیین فرضیه مذکور و براساس تئوری سازنده‌گرایی قرار داده شده است. در این راستا هدف اصلی نگارنده، مطالعه تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از ابتدای انقلاب اسلامی ایران تاکنون می‌باشد. این مطالعه می‌تواند در شناخت علل واگرایی سیاست خارجی دو جانبه ایران و اروپا مؤثر بوده و برای تنظیم روابط آنها مهم باشد.

کلید واژه‌ها

سیاست خارجی، تروریسم، حقوق بشر، تسلیحات کشتار جمعی، دموکراسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سرعت و دامنه تحولات در عرصه نظام بین الملل، دست اندرکاران سیاست خارجی کشورها را ناچار می‌سازد که به منظور تعقیب منافع ملی خود، ارزیابی مستمر و مداومی از جایگاه کشور خویش در نظام بین الملل به عمل آورند و راهبردها و راه کارهای مناسبی را تدبیر و تدوین کنند. در این رابطه یکی از تحولات مهم به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به این طرف، افزایش نقش آفرینی و اتخاذ سیاست مشترک از جانب اتحادیه اروپایی در صحنه بین المللی و از جمله در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

این امر موجب شده است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران منطقه خاورمیانه از این تحولات تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر گذارد و البته همچون سایر بازیگران عرصه بین المللی، بدنبال کسب و توسعه منافع خود از رهگذر اثرگذاری بر ساختارهای نظام در حال تکوین باشد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا حفظ و توسعه روابط با یکدیگر را بر اساس نیازها، برنامه ریزی و طراحی نموده اند، اما علی‌رغم این فعالیت‌ها هنوز با برخی چالش‌ها در عرصه روابط دو جانبه مواجه هستند.

در این خصوص این امر حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی به علت قرار گرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، با برخی مشکلات در توسعه روابط در حوزه‌های راهبردی مواجه هستند، اما جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین الملل و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه‌جانبه بوجود آورده است.

اتحادیه اروپا بخش مهمی از مجموعه ارزشی - فرهنگی جهان غرب محسوب می‌شود که علی‌رغم پاره‌ای رقابت‌های تجاری و تاکتیکی‌های متفاوت سیاسی در اصول با ایالات متحده آمریکا اشتراک نظر دارد ولی در روش اجرای این اصول با آمریکا متفاوت است و علی‌رغم پذیرش تفوق آمریکا در نظام بین المللی از ایجاد نظامی چند جانبه‌گرا که در آن نقش و اهمیت ساز و کارهای بین المللی تقویت شوند، حمایت می‌کند.

در این راستا شناخت موقعیت و جایگاهی که اتحادیه اروپا برای جمهوری اسلامی ایران قائل است، موضوع بسیار مهمی محسوب می‌شود، زیرا شناخت مناسب از سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جایگاه منطقه‌ای ایران، در تدوین و چگونگی تنظیم روابط بسیار مؤثر می‌باشد. به دلیل جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین الملل و همچنین نقش و جایگاه ژئواستراتژیک ایران و نفوذ سیاسی و فرهنگی در منطقه و منابع گسترده انرژی، ضرورت‌های متقابلی برای حفظ و گسترش روابط در یک مسیر و چارچوب مناسب بین دو طرف وجود دارد.

اما این رابطه در دهه های گذشته، پرفراز و نشیب و همراه با چالش های متناوبی بویژه در سال های اخیر بوده است. در این راستا هدف اصلی نگارنده، مطالعه روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران و نیز دوران پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ می باشد و سعی گردیده که شرایط کنونی روابط دو طرف، اهداف مناسبات فی مابین و منافع این روابط برای هر یک از آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. اهداف و تعاملات اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

اتحادیه اروپا علاقمند به معرفی خود به عنوان یک بازیگر مهم در تحولات منطقه ای است و در پی آن است که جایگاه خود را در بین کشورهای منطقه به عنوان یک همسایه قدرتمند تقویت کند. پذیرش پول واحد اروپایی (یورو) از سال ۱۹۹۹ و گردش رسمی اقتصادی آن از اول ژانویه سال ۲۰۰۲، سیاست مشترک کشاورزی، سیاست مشترک مهاجرت و پناهندگی، پیمان شنگن، سیاست دفاعی مشترک و تشکیل ارتش اروپایی، و سیاست اجتماعی مشترک، سیاست خارجی و امنیتی مشترک و سیاست مالیاتی مشترک مهمترین طرحهای اتحادیه اروپا برای تبدیل شدن به یک بازیگر مؤثر و قدرتمند در نظام بین المللی است که سیر تکاملی آن همچنان ادامه دارد.

اعضای اتحادیه اروپا به دنبال تبدیل خود به عنوان یک بازیگر درجه اول سیاسی در سطح جهانی و منطقه ای در کنار قدرتهای دیگر، خصوصاً آمریکا بوده و به دنبال کسب و توسعه نفوذ در میان کشورهای منطقه می باشند. بنابراین در این راستا است که تنظیم روابط با جمهوری اسلامی ایران اهمیت پیدا می کند. (۱)

موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت اقتصادی این کشور در دو بعد دسترسی به بازارهای داخلی و همچنین تامین انرژی برای اروپا، نقش ایران در تامین امنیت در خلیج فارس، اهمیت ایران در روند صلح خاورمیانه، نفوذ سیاسی ایران در منطقه موسوم به هلال شیعی در خاورمیانه (ایران، عراق، سوریه و لبنان)، نقش با اهمیت ایران در برقراری صلح و ثبات در دو کشور افغانستان و عراق، تأثیر و نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز همگی برای ورود اتحادیه اروپا در این مناطق و نفوذ بیشتر سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت زیادی است.

اتحادیه اروپایی از زمان قطع روابط سیاسی ایران و آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی تلاش نموده است تا از خلاء روابط میان ایران و آمریکا استفاده کند. در این راستا این اتحادیه به ویژه از دهه ۱۹۹۰

به بعد همواره کوشش کرده است از طریق تعمیق روابط خود با جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه، حضور و نفوذ خود را در کل خاورمیانه افزایش دهد. بنابراین نحوه و چگونگی رابطه با ایران همواره برای اتحادیه اروپا از اهمیت اساسی برخوردار بوده است.

ارزیابی روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در سالهای پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که با یکجانبه‌گرایی^۱ ایالات متحده در سطح بین‌المللی همراه بوده است، حاکی از تمایل اتحادیه اروپا به بازتعریف^۲ روابط خود با جمهوری اسلامی ایران است. در این رابطه به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا برای کاهش اثرات منفی یکجانبه‌گرایی آمریکا بر این اتحادیه و نیز ایفای نقش مؤثرتر در تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه توجه ویژه‌ای به جمهوری اسلامی ایران داشته است.

در این خصوص کمیسیون اروپا (به عنوان بازوی اجرایی اتحادیه) در گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۳ خود به طور واضح خواستار همکاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک با ثبات تر در منطقه برای اتحادیه شده و ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر را لازمه این امر دانسته است. (۲) از دیدگاه راهبردی، اتحادیه اروپا از توسعه بیش از اندازه نفوذ آمریکا در منطقه نگران است. آمریکا بعد از جنگ ۱۰۰ ساعته کویت (حداقل در بعد عملیات زمینی) و در چارچوب نظم نوین جهانی^۳ بوش پدر و متعاقب آن بعد از جنگ عراق و ساقط کردن حکومت بعثی صدام حسین در آوریل سال ۲۰۰۳ و سپس ارائه طرح خاورمیانه بزرگ^۴، از موقعیت بلامنازع و غیر قابل رقابتی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار شده و این وضعیت عملاً جایگاه اتحادیه اروپایی را تقلیل داده است. لذا اتحادیه اروپا در پی کسب جایگاه خود است و تلاش می‌کند، حضور و نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. (۳)

موقعیت سیاسی، راهبردی، جغرافیایی و جمعیتی کشورهای منطقه نشان می‌دهد که هیچ کشوری از موقعیت مناسب ایران برخوردار نیست. ترکیه به علت مشکلات پدید آمده جهت عضویت در اتحادیه اروپا به آمریکا گرایش پیدا کرده است، پاکستان به متحد آمریکا در جنگ علیه تروریسم مبدل شده، عراق بعد از اشغال و تغییر حکومت بعثی، تحت مدیریت آمریکا است و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس^۵ علاوه بر اینکه تحت نفوذ واشنگتن هستند، بسیار ضعیف و ناتوان می‌باشند. بنابراین تنها قدرت باقیمانده

1. Unilateralism

2. Redefine

3. New Global Order

4. The greater middle east

1- Gulf Cooperation Council (GCC)

مهم منطقه، ایران است که می تواند جایگاه مناسبی برای اتحادیه اروپا باشد.

ایران در مرکزیت منابع انرژی و نفت و گاز جهانی قرار دارد و با برخورداری از ۱۷ درصد مجموع ذخایر گاز جهان، دومین کشور دارای ذخایر گاز در جهان محسوب می گردد. به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک تمامی مناطق ساحلی شمال خلیج فارس در اختیار ایران است. این کشور با منطقه امنیتی جنوب آسیا و آسیای مرکزی و قفقاز همسایه بوده و از طریق ترکیه همجوار اتحادیه اروپا می باشد.

یکی از مناسب ترین راه ها برای انتقال انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از طریق ایران به ترکیه و اتحادیه اروپا می باشد. منابع گازی ایران می توانند بخش مهمی از نیاز اروپا به انرژی گاز را پاسخگو باشند. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جمعیتی و اقتصادی بازار مناسبی برای کالاهای اروپایی می باشد. افزون بر این، ایران قوی ترین قدرت نظامی منطقه و پر نفوذترین کشور در تحولات فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان محسوب می شود. بنابراین، تقویت رابطه با جمهوری اسلامی ایران می تواند بخش اعظمی از ضعف های اروپا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را کاهش دهد.

در این رابطه گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۴ کمیسیون اروپایی که کامل ترین و مفصل ترین گزارش اتحادیه اروپا طی دو دهه گذشته در خصوص همکاری با جمهوری اسلامی ایران است، برای توسعه مناسبات با ایران هم دلایل سیاسی و هم دلایل اقتصادی را مورد توجه قرار می دهد. در این گزارش آمده است که: «ایران منبع مهم نفت و گاز در یک منطقه مهم استراتژیک است و منافع عمده ای در مناطق همجوار و از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. ایران به عنوان یک شریک اقتصادی منطقه ای از پتانسیل های قوی برخوردار می باشد و می تواند فرصت های مهمی را برای تجارت و سرمایه گذاری در اختیار اروپا قرار دهد و.... این پتانسیل در صورتی توسعه خواهد یافت که سیاست های اقتصادی و تجاری ایران به طور کلی مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد. علاوه بر آن ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر به ایران کمک خواهد کرد تا شریک با ثبات تری برای اتحادیه اروپا در منطقه باشد.» (۴)

گزارش فوق حاوی دو نکته مهم است. نخست اینکه اتحادیه اروپا موقعیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بسیار مهم می داند. دوم معتقد است که ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر که به برداشت های ذهنی و ویژگی های فرهنگی، مذهبی و هویتی جمهوری اسلامی ایران در مقابل اتحادیه اروپا باز می گردد، می تواند مقدمه مناسبی جهت رشد و گسترش پیوندهای سیاسی و اقتصادی باشد. این امر حاکی از تداوم نقش تضادهای هویتی - ایدئولوژیکی در ارتباط میان اتحادیه

اروپایی و جمهوری اسلامی ایران است.

در این خصوص حائز اهمیت است که «کریس پاتن»^۱ کمیسر سابق روابط خارجی اتحادیه اروپا در خصوص روابط با ایران ضمن اذعان به اهمیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به برخی دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک اروپا نیز اشاره می‌کند و اهداف اتحادیه اروپا از گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران را بدین صورت ترسیم می‌کند:

۱. تبادل نظر در خصوص تروریسم و حقوق بشر در کنار گفتگوهای سیاسی و همکاری‌های اقتصادی.

۲. توجه به روند اصلاحات سیاسی در قالب دموکراتیزه شدن.

۳. فراهم شدن زمینه‌های مشارکت مردم در زندگی سیاسی، حکومت قانون، آزادی مطبوعات و رعایت حقوق بشر.

۴. ورود چهره‌ای جدید و سازگار با تحولات بین‌المللی از ایران.

۵. کنترل موج اسلام‌گرایی در اروپا. (۵)

۲. جایگاه و اهمیت اتحادیه اروپا برای جمهوری اسلامی ایران

کشورهای عضو اتحادیه اروپا در میان کشورهای ثروتمند، صنعتی و پیشرفته جهان قرار دارند. فرانسه، انگلستان، آلمان و ایتالیا عضو گروه ۸ بوده و فرانسه و انگلستان از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سازمان‌های اقتصادی و پولی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول^۲، بانک جهانی^۳، سازمان تجارت جهانی^۴ و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حضوری فعال و نفوذ فوق‌العاده‌ای دارند و لذا از توان اعطای اعتبارات مالی بالایی برخوردار می‌باشند.

انتقال تکنولوژی با توجه به توان صنعتی اتحادیه اروپا و سرمایه‌گذاری کشورهای عضو این اتحادیه با توجه به توان مشارکت مالی و اعتباری آنها در برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر آن، این اتحادیه می‌تواند با توجه به کشمکش و خصومت سیاسی میان ایران و ایالات متحده آمریکا، نقش مهمی در تعدیل فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

1- Chris Patten

2- International monetary fund (IMF)

3- World bank

4- World trade organization (WTO)

در این راستا سیاست اتحادیه اروپا از طریق انجام گفتگو با جمهوری اسلامی ایران و مخالفت آن با سیاست های انزواء تحریم اقتصادی و مهار دو جانبه^۱، که از سوی آمریکا اعمال می شود، موضوع قابل توجهی است.

از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا در موارد زیر می تواند در تامین منافع ملی نقش عنصر تسهیل کننده را ایفا نماید:

۱. جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی خود به اتحادیه اروپا به عنوان عامل تعادل^۲ در برابر فشارهای آمریکا می نگرد. از نظام تک قطبی و نگاه به اتحادیه اروپا به عنوان مجموعه ای که بتواند نقش منطف تری در قبال سیاست خارجی تهران داشته باشد، از جمله رویکردهای عمومی سالهای اخیر بوده است. نیاز اساسی به اروپا در این زمینه براین محور استوار بوده است که بتوان از این اتحادیه جهت تعدیل رویکرد افراطی واشنگتن بهره برد.

۲. رهبران سیاسی ایران کوشیده اند تا آثار تحریم های اقتصادی آمریکا را با حفظ روابط با اتحادیه اروپا در ابعاد گوناگون جبران نمایند و از این طریق حتی از حمایت اتحادیه اروپا برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و تأثیر آراء آن در تصمیمات جمعی پیرامون موضوعات مورد علاقه در سازمانها و مجامع بین المللی بهره مند شوند.

۳. اتحادیه اروپا مهمترین و قدرتمندترین اتحادیه سیاسی و اقتصادی جهان است که توان اقتصادی، سیاسی و نظامی بالای آن می تواند، ضعف های بین المللی جمهوری اسلامی ایران را جبران کند. (۶)

۴. اتحادیه اروپا می تواند از طریق سرمایه گذاری در ایران به رشد و توسعه اقتصادی و گسترش همکاری های تجاری و بازرگانی کمک کند. سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز علی رغم تحریم های آمریکا، موید این نکته است.

۵. کشورهای اروپایی دارای مطلوبیت تکنولوژیک هستند. روسیه و چین که جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر تکیه زیادی بر آنان داشته است، فاقد مطلوبیت تکنولوژی مورد نیاز ایران بوده اند، این در حالی است که ایران نیازمند تکنولوژی مدرن است و اتحادیه اروپا می تواند این نیازها را برطرف کند.

۶. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در موضوعات سیاسی و بین المللی مربوط به جمهوری اسلامی ایران و به خصوص موضوع هسته ای می توانند در مجامع و نهادهای بین المللی مؤثر باشند. آغاز گفتگوهای هسته ای

1- Dual containment

2- Balancer

با اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۳ و تداوم آن حاکی از اهمیت این نگرش در سیاست خارجی ایران است. در این خصوص کمال خرازی وزیر امور خارجه سابق جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود در کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اروپا در ماه فوریه سال ۲۰۰۳ اعلام داشت: «به اعتقاد ما جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا هم به دلایل سیاسی و هم به دلایل اقتصادی می توانند شرکای با ثباتی برای یکدیگر باشند. دو طرف از ظرفیت های فراوانی برای ارتقای این روابط برخوردار می باشند و جمهوری اسلامی ایران در تنظیم روابط خود با اتحادیه اروپا همواره احترام و اعتقاد به ارزشهای مشترک بشری از قبیل آزادی، حقوق بشر، صلح و ثبات بین المللی و مبارزه مشترک و بین المللی با تروریسم را در نظر داشته است. افزون بر این، برخی عناصر استراتژیک دو طرف را به یکدیگر پیوند داده است. وضعیت کنونی بین المللی و تحولات جهانی پس از ۱۱ سپتامبر ابعاد مهم و مثبت به روابط و همکاری دو جانبه در زمینه های مختلف بخشیده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست راهبردی تنش زدایی و گسترش همکاری های بین المللی مصمم به افزایش مناسبات خود با کشورهای اروپایی می باشد و... ایران و اتحادیه اروپا هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی در موقعیتی قرار دارند که می توانند یک همکاری و دوستی محکم و ماندگار را پایه ریزی نمایند.» (۷)

در این رابطه علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در ملاقات ماه ژوئن سال ۲۰۰۶ خود با «خاویر سولانا» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تهران اظهار داشت: «یکی از اولویت های مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، توسعه همکاری ها با اتحادیه اروپا در حوزه علائق مشترک می باشد، وی همچنین اشاره نمود که جمهوری اسلامی ایران و اروپا می توانند حوزه های همکاری خود را در عرصه های مختلف گسترش دهند و شرکای مطمئنی برای یکدیگر باشند».

۳. مطالعه سیر تحولات روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

۳-۱. روابط ایران و اروپا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

روابط ایران با جامعه اروپا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر در قالب اقتصادی جریان داشت و طرفین با امضای موافقت نامه همکاری های اقتصادی در سال ۱۹۶۳ روابط اقتصادی فیما بین را سازماندهی کردند. اعتبار این قرارداد در سال ۱۹۷۳ منقضی شد و از آن پس، طرف اروپایی با توجه به تحولات ایران، تمایلی به تمدید آن از خود نشان نداد.

طی این سالها روابط سیاسی دو طرف شکل نهادینه نداشت و در چارچوب سنتی خود (مذاکره با تک تک کشورهای اروپایی) دنبال می شد. در این زمان چیزی به نام اتحادیه اروپا وجود نداشت بلکه جامعه اقتصادی اروپا^۱ از موجودیت خارجی برخوردار بود. ضمن اینکه با توجه به رقابت میان اتحاد شوروی و ایالات متحده و حاکمیت جنگ سرد در روابط بین الملل، جامعه اروپا نمی توانست نقش فعالی را در نظام بین الملل ایفا کند و بیشتر در قالب اردوگاه غرب به رهبری آمریکا عمل می کرد. در این زمان ایران شاهنشاهی نیز نظیر جامعه اروپا در اردوگاه غرب تعریف می شد. (۹)

حکومت پهلوی در سال ۱۹۶۳ تمایل خود به توسعه روابط سیاسی با جامعه اروپا و انعقاد یک موافقتنامه بازرگانی با آن را ابراز داشت. به دلیل روابط نزدیک ایران در دوران پهلوی با بلوک غرب و عدم وجود موانع سیاسی، مذاکرات ظرف حدود یک سال به نتیجه رسید و در ۱۴ اکتبر سال ۱۹۶۳ موافقت نامه تجاری بین طرفین به امضا رسید که در نوع خود از نخستین موافقت نامه هایی به شمار می رفت که بازار مشترک اروپا با یک کشور در حال توسعه منعقد می نمود.

نکات مهم در موافقت نامه شامل اخذ مقادیر جزئی تخفیف در تعرفه های خارجی بازار مشترک برای واردات فرش و برخی اقلام خشکبار از ایران و نیز ایجاد یک کمیته مشترک برای نظارت بر اجرای موافقت نامه و بررسی شیوه های توسعه مبادلات بازرگانی فیما بین بود. بر خلاف انتظارات، کار کمیته دوام چندانی پیدا نکرد و اعمال تخفیف در تعرفه برای صادرات کالای سنتی ایران از جمله فرش نیز موجب افزایش صادرات به جامعه اروپایی نگردید.

به هر حال موافقت نامه مذکور ابتدا به مدت سه سال و سپس به مدت سالانه تا سال ۱۹۷۳ تمدید گردید. امتیازات داده شده به صادرات غیر نفتی ایران در واقع به علت پاداش به رژیم شاه برای ایفای نقش

1- European economic community

مؤثرتر در منطقه و اهمیت تداوم صادرات نفت به اروپا بود که نمایندگان ایران نیز در مذاکرات خود با بازار مشترک بدان اشاره می کردند. (۱۰)

به رغم اینکه ایران در سال ۱۹۷۴ مذاکرات جدیدی را برای امضای موافقت نامه بازرگانی با جامعه اروپایی در بروکسل آغاز نمود، این مذاکرات تا سال ۱۹۷۸ به نتیجه ای نرسید. در سال ۱۹۷۳ کشورهای عضو جامعه اروپایی به دلیل افزایش در آمد نفتی ایران که بازتاب افزایش بهای نفت به دلیل شوک نفتی به شمار می آمد، خواستار پایان دادن به حذف تعرفه ها از کالاهای نام برده شدند. این در حالی بود که ایران خواهان افزایش کالاهای مشمول حذف تعرفه ها گردید. این امر باعث شد تا موافقت نامه از سال ۱۹۷۳ تمدید نشود. (۱۱)

بنابراین در زمان وقوع انقلاب اسلامی، ایران و اروپا از سطح مبادلات اقتصادی بالایی برخوردار نبودند و روابط دو طرف نیز به صورت کشور به کشور و با اروپا ی غربی وجود داشت در این زمان ایران با اروپا به عنوان یک کل یکپارچه مواجه نبود.

۳-۲. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۹ - ۱۳۵۷)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی عمدتاً بر اساس ارزشهای اسلامی شکل گرفت و بر اساس رهنمودهای رهبر انقلاب تغییر ماهیت داد و بر مبنای اسلام استوار گردید. تحت این شرایط بدیهی بود که سیاست خارجی ایران نمی توانست صرفاً در چارچوب مباحث رایج و جاری مبتنی بر نظام دولت ملی توضیح داده شود، بلکه علاوه بر لحاظ کردن این نظام به عنوان یک واقعیت موجود، ویژگی مربوط به دولت اسلامی نیز باید در آن لحاظ می گردید.

چنین نظامی در سیاست خارجی ایران سازگاری محدودی با قواعد و هنجارهای بین المللی داشت و در برخی موارد نیز با آن تعارض پیدا می کرد. به طوری که به اعتقاد کارشناسان روابط بین الملل، لحن تهران در این دوره به واسطه شرایط انقلابی تند شد و لذا باعث دور شدن و بیگانگی تقریباً تمامی متحدین بالقوه گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای عضو جامعه اروپا در ابتدا نمی خواستند تا روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کنند. زیرا امید داشتند تا با حفظ روابط دیپلماتیک بتوانند

پیوندهای اقتصادی خود را با ایران انقلابی ادامه دهند. چهار ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیاتی از سوی دولت موقت با اعضای جامعه اروپایی دیدار کردند که طی این ملاقات، موافقت به عمل آمد به منظور تعیین حوزه های علائق ایران و جامعه اروپایی، مذاکرات جدیدی صورت گیرد.

متعاقب سفر مذکور، هیاتی از جانب کمیسیون اروپا در اکتبر سال ۱۹۷۹ به تهران آمد که دستاورد چندانی به همراه نداشت. به دنبال عدم موفقیت این دیدار، جامعه اروپا امتیازات واگذار شده به برخی از اقلام صادراتی ایران را محدود و یا لغو نمود و برقراری آن را موقوف به درخواست رسمی ایران و انجام مذاکرات مجدد دانست.

در این زمان به دلایل پاره ای مسائل سیاسی داخلی در ایران و همچنین شرایط جنگ تحمیلی و اختلاف دیدگاه های طرفین (ایدئولوژی انقلاب اسلامی در برابر ایدئولوژی لیبرالیسم) پیشنهاد و خواسته های ایران در این زمینه به نتیجه ملموسی نرسید. اما در اوایل دهه ۱۹۸۰، یک یادداشت تفاهم بین طرفین مبادله شد که چارچوب موافقت نامه بین المللی منسوجات به منظور برخوردار شدن ایران از برخی تسهیلات بود.

بر این اساس ایران با سهمیه ای معادل ۲۶۹ تن برای فرش صادراتی خود به جامعه اروپا، بدون تعرفه گمرکی در فهرست کشورهای استفاده کننده از تعرفه های ترجیحی جامعه اروپا قرار گرفت. بر اساس موافقت نامه مزبور سایر محصولات نساجی ایران نیز در حد معینی از تعرفه های ترجیحی برای صادرات به اروپا برخوردار می گردید. (۱۲)

در این دوران اگر چه آرمان ها و اهداف انقلاب ایران کشورهای اروپایی را به طور مستقیم مورد خطاب قرار نداده بود و منافع آمریکا بیش از منافع اروپا مورد تهدید قرار گرفته بود، لکن نظر آمریکا، از دیدگاه اروپا انقلاب ایران در پی استقرار نظامی بود که می توانست منافع کشورهای اروپایی را بویژه در جهان در حال توسعه مورد تهدید قرار دهد.

از سوی دیگر، با توجه به سهم ایران در تامین انرژی جهانی و تجربه تلخ بحران نفتی نیمه نخست دهه ۱۹۷۰، نگرانی عمیق کشورهای اروپایی قابل درک بود. خروج ایران از حوزه نفوذ سیاسی - امنیتی غرب و طرح شعارهای ضد لیبرالیستی و غربی از دستاوردهای ناخوشایند انقلاب اسلامی برای اروپا بود.

مشخصه بارز این دوره از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، تقابل کشورهای اروپایی با انقلاب اسلامی و همسویی کامل آنان با سیاست های آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران است. حمایت کشورهای اروپایی از عراق در جنگ با ایران شاهدهی براین مدعا است.

به نحوی که ایران در این مقطع نه تنها تفاوت چندانی میان اروپا و آمریکا نمی بیند بلکه همراهی اروپا با عراق در تحت فشار قرار دادن ایران را عملی خصومت آمیز تلقی می کند. از دیدگاه اروپا نیز برخی اقدامات نظیر گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا در نوامبر سال ۱۹۷۹ و پیامدهای آن یعنی سقوط دولت موقت و نیز صدور حکم ارتداد سلمان رشدی نویسنده انگلیسی بر ابهام کشورهای اروپایی نسبت به اهداف و سیاست های جمهوری اسلامی ایران افزود.

به عبارت بهتر دهه نخست انقلاب اسلامی ایران را نمی توان دوره سکوت و خاموشی سیاست خارجی جامعه اروپا در قبال ایران توصیف کرد. این سکوت و خاموشی و عدم وجود راهبردی مشخص در قبال ایران بیشتر به علت تردیدها و تضادهای سیاسی - هویتی می باشد. البته این گفته بدان معنا نیست که در این دوره کشورهای اروپایی، سیاستی در قبال ایران نداشته اند بلکه در این مدت بیانیه هایی را در خصوص جنگ ایران و عراق و حقوق بشر در ایران صادر کردند.

مساله سلمان رشدی و متعاقب آن فتوای امام خمینی (ره) و فراخوانی سفرای کشورهای اروپایی از تهران (ناشی از تضادهای ایدئولوژیک) مهمترین بحران روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در این دوره محسوب می شود.

عوامل تأثیر گذار بر مناسبات ایران و جامعه اروپا در این دوران را می توان به صورت زیر بررسی کرد:

۱. شرایط انقلابی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

التهاب های برآمده از شرایط انقلابی در قبال سیاستهای حمایت گرایانه ایالات متحده آمریکا از رژیم پهلوی و بویژه موضع گیری مداخله جویانه آمریکایی ها در مواردی چون اعدام سران رژیم و کسانی که طبق دادگاههای انقلاب خائن به ملت تشخیص داده شدند و همچنین تأثیر شعارهایی از قبیل «صدور انقلاب» به دیگر کشورها و بهره برداری های سیاسی آنان از این شعار جهت دخالت در امور ایران باعث بروز حساسیت هایی در میان رهبران و افکار عمومی ایران گردید.

طبیعی بود که ملت ایران بدلیل کارنامه سیاه انگلیسی ها در قضایای امتیازات نفتی و سابقه منفی عملکرد آمریکایی ها در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگون ساختن دولت ملی مصدق، قضایای کاپیتولاسیون و سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تبعید حضرت امام خمینی (ره)، کمتر تحمل پذیرفتن غربی ها را داشتند و برخی سیاستهای مداخله جویانه را توطئه جدی علیه انقلاب اسلامی تصور می کردند.

لذا نوع برخورد آمریکا و اروپا در خصوص قضایای داخلی ایران باعث بروز حساسیت هایی در میان نخبگان فکری و اجرائی و افکار عمومی ایران می گردید و همین امر نوع نگاه به برخورد جمهوری اسلامی ایران با این کشورها را شکل می داد.

۲. بحران گروگانگیری

اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) بعنوان واکنش به اقدامات و سیاستهای مداخله جویانه آمریکا که به اعمال تحریم اقتصادی و تجاری ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران منجر گردید، باعث شد تا جامعه اروپایی نیز در حمایت از ایالات متحده، سفرای خود را از تهران فرا خوانده، خرید نفت را از ایران کاهش دهد و برای ایرانیانی که قصد عزیمت به کشورهای اروپایی را داشتند اقدام به برقراری محدودیت هایی نماید.

همچنین در این راستا جنگ روانی و تبلیغاتی رسانه های گروهی کشورهای عضو جامعه اروپایی بخصوص فرانسه، آلمان و انگلیس علیه ایران شدت گرفت. اما در مجموع جامعه اروپایی در برخورد با ایران جانب احتیاط را رعایت کرد و اقدام به تحریم اقتصادی و تجاری ایران، همسو با ایالات متحده نکرد چرا که اروپا ثبات اعتقاد داشتند که تحریم ها باعث قدرت گرفتن افراطیون در ایران می شود و اقتصاد ایران به سوی شوری و شریکان کومکون آن متمایل خواهد شد. (۱۴)

۳. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

از دیگر عوامل سردی روابط کشورهای عضو جامعه اروپایی با ایران، موضع گیری و برخورد کشورهای جامعه اروپایی در قبال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. تجاوز آشکار و گسترده عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران به فاصله کوتاهی از گذشت پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر ایجاد برخی مسائل داخلی مانند صف بندیهای گروههای سیاسی در قبال نوع برخورد و روابط با کشورهای غربی و اتحاد جماهیر شوروی و بخصوص قرار گرفتن جریان لیبرالی غرب گرا در مقابل مکتیبون، در چنین شرایط حساسی و سلسله اقدامات و کوتادی طراحی شده توسط بازماندگان رژیم گذشته (کودتای نوژه)، به محک جدیدی برای سنجش رفتار کشورهای غربی از جمله جامعه اروپایی در قبال رژیم عراق تبدیل شد.

این تجاوز که در دوره گروگانگیری اتفاق افتاد، باعث شد تا کشورهای اروپای غربی تمایل کمتری به

حمایت از ایران داشته باشند. حتی پس از پایان بحران گروگانگیری، کشورهای عضو جامعه اروپا از جمله انگلیس، آلمان و فرانسه به طرفداری از رژیم عراق پرداختند.

حمایتهای سیاسی و به خصوص تغذیه ماشین جنگی عراق بویژه توسط فرانسویها و سیاست حمایت گرایانه جامعه اروپایی از عراق که با هدف تضعیف به اصطلاح حکومت بنیاد گرای جمهوری اسلامی ایران صورت می گرفت، خود یکی از مهمترین عوامل بی اعتمادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به جامعه اروپایی محسوب می شد.

تنها پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران بود که کشورهای اروپای غربی از موضع گیری ضد ایرانی و طرفداری از عراق دست کشیدند و در ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۸۸ در یک اقدام چرخشی، پارلمان اروپایی عراق را به استفاده از سلاحهای شیمیایی متهم کرد و از کشورهای عضو جامعه خواست تا فروش سلاحها و مواد شیمیایی را به عراق متوقف سازند. (۱۵)

۴. پناهندگی برخی از اعضای رژیم پهلوی به خاک برخی کشورهای عضو جامعه اروپایی

پناه گرفتن برخی از مخالفان نظام همچون بنی صدر، رجوی و بختیار و عوامل آنها در خاک برخی از کشورهای عضو جامعه اروپایی از دو جهت تأثیر منفی بر روابط ایران با جامعه اروپا داشت، از یک سو بر التهاب موجود ضد غربی در داخل ایران می افزود و از سوی دیگر عوامل مزبور با ارائه اطلاعات نادرست به افکار عمومی این کشورها هم زمینه را برای فشار افکار عمومی بر دولتهایشان جهت اتخاذ سیاستی انعطاف ناپذیر در قبال جمهوری اسلامی ایران فراهم می نمودند و هم نسبت به اسلام و اصول گرائی اسلامی دیدگاهی منفی ایجاد می کردند و اصول گرائی اسلامی را معادل تروریسم قرار می دادند.

۵. ماجرای سلمان رشدی

پس از پایان جنگ ایران و عراق، تمایل کشورهای عضو جامعه اروپا برای افزایش سطح روابط سیاسی و اقتصادی با ایران افزایش یافت که از جمله می توان به سفر «گنشر» وزیر خارجه آلمان به تهران در آگوست سال ۱۹۸۸ اشاره کرد. وی در این سفر تلاش کرد تا با مقامات ایرانی در مورد موضوعات حقوق بشر و بحران گروگانگیری در جنوب لبنان مذاکره نماید.

وی همچنین تلاش کرد تا بازار ایران را برای سرمایه گذاران اروپایی و بخصوص آلمانی بازگشایی

نماید. اما تلاشهای اروپاییان به خصوص آلمانها به دلیل صدور حکم امام خمینی (ره) در مورد سلمان رشدی عقیم ماند.

به چالش کشیده شدن ارزشها و اصول فرهنگی و اسلامی توسط سلمان رشدی، نویسنده هندی الاصل انگلیسی در کتاب آیات شیطانی، باعث شد تا در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹)، امام خمینی فتوای خود را بر علیه سلمان رشدی صادر نماید. این حکم که خشم جامعه اروپایی را در پی داشت باعث شد تا جامعه اروپا اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. احضار سفرای کشورهای عضو از تهران و کاهش سطح روابط سیاسی که ملاقاتهای سطوح عالی را ممنوع ساخته بود.

۲. تقلیل همکاریهای اقتصادی و کاهش واردات از ایران.

۳. قطع روابط تهران و لندن در ۵ مارس ۱۹۸۹.

۴. صدور بیانیه مشترک وزرای امور خارجه جامعه اروپا در ۲۰ فوریه سال ۱۹۸۹ که در آن تهدید به قتل سلمان رشدی را غیر قابل قبول دانسته و آن را اقدامی مغایر با منشور ملل متحد و بی احترامی به اصول و مقررات بین المللی اعلام کردند.

در این مقطع، قضیه سلمان رشدی، مهمترین عامل بحران در روابط جمهوری اسلامی ایران و انگلیس به شمار می آمد که بیشترین تأثیرات خود را بر روابط ایران و جامعه اروپایی نشان داد. پس از گذشت یکسال از قطع روابط تهران و لندن، مقامات انگلیسی که خلاء روابط دیپلماتیک را موجب خدشه دار شدن منافع تجاری شان می دانستند، خواستار از سرگیری روابط شدند و البته شروطی را مطرح کردند که آزادی بدون قید و شرط «راجرز کوپر» (جاسوس انگلیسی در ایران)، لغو فتوای قتل سلمان رشدی و استفاده از نفوذ ایران برای آزادی گروهانهای انگلیسی در لبنان عمده ترین آنها بود.

متعاقب آزادی دو تن از گروهانهای انگلیسی در لبنان، تنش بین تهران و لندن تا حدودی کاهش یافت. پس از مصاحبه «مارگارت تاچر» نخست وزیر انگلیس با رادیو بی بی سی و اذعان به این نکته که «ما حساسیت مسلمانان را نسبت به توهین به اسلام درک می کنیم و...» و اینکه «... ما بیشترین احترام ممکن را برای اسلام قائل هستیم و من نگرانی مسلمانان را درباره آنچه کفرگوئی تلقی می کنند، درک می کنم و ما از انجام هیچ کاری فروگذاری نخواهیم کرد.» شورای امنیت ملی کشور تشکیل جلسه داد و پوزش مقامات انگلیسی و اعتراف آنها مبنی بر احترام به دین اسلام را کافی دانست. متعاقب این امر، اعلامیه هائی در تاریخ

۵ مهر ماه سال ۱۳۶۹ در تهران و لندن از سوی وزارت خارجه دو کشور منتشر شد و برقراری مجدد روابط سیاسی بین دو کشور اعلام گردید. (۱۶)

سیاست خارجی انقلابی ایران در ابعاد گوناگون همراه با طرح شعارهایی نظیر نه شرقی - نه غربی، حمایت از جنبش های اسلامی، حمایت از مستضعفین، استکبار ستیزی و غیره که ریشه در ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران داشت موجب تضادهای ایدئولوژیک با برخی کشورهای منطقه خاورمیانه و نیز کشورهای عضو جامعه اروپا گردید.

حمایت ایران از شیعیان در بحرین و لبنان و نیز پشتیبانی از فلسطینی ها، قطع رابطه با رژیم اسرائیل و حتی خواستار محو شدن این رژیم از صحنه منطقه ایالات متحده و جهانی همگی در قالب تضادهای هویتی - ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در این مقطع قابل مطالعه می باشند.

۳-۳. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶ (۱۹۹۷ - ۱۹۹۰)

پایان جنگ ایران در عراق و روی کار آمدن دولت سازندگی به ریاست آقای هاشمی رفسنجانی در ایران، نقطه عطفی در روابط ایران با اتحادیه اروپا بود. دولت جدید توجه خود را به بازسازی اقتصادی و دفاعی کشور که در جریان هشت ساله جنگ تخریب و تضعیف شده بود، معطوف کرد. این امر با توجه به اوضاع نا بسامان اقتصادی ایران و خصومت جمهوری اسلامی ایران با آمریکا، نیاز به همکاری با کشورهای اروپایی داشت.

صنایع ایران از نظر تجهیزات، لوازم یدکی و قطعات به اروپایی ها احتیاج داشت و از همه مهمتر صنایع فرسوده نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه، دانش فنی و تکنولوژی بود. در این زمینه، پس از آمریکا، اروپا می توانست نیاز ایران را تامین کند. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا با اعلام دکترین «نظم نوین جهانی» در سال ۱۹۹۱، درصد بود هژمونی خود را به عنوان ابرقدرت جهانی تثبیت کند. در این راستا، آمریکا عملاً نفوذ اتحادیه اروپا را در خاورمیانه محدود کرده بود.

بحران کویت در سال ۱۹۹۱ که به «جنگ نفت»^۱ معروف شد، سبب گردید که آمریکا نیروهای خود را در حوزه های نفتی خلیج فارس مستقر کند. در این خصوص «یوردیس فون لوهازن» می نویسد: «جنگ

1- Oil War

خلیج فارس، جنگی بر ضد اروپا و نتیجه آن یک کامیابی بزرگ برای سیاست آمریکا و ناکامی و شکستی بزرگ برای اروپا بود.» (۱۷) از آنجا که ایران و عراق از دایره نفوذ آمریکا بیرون مانده بودند، اتحادیه اروپا در صدد گسترش روابط با این دو کشور بویژه ایران برآمد.

در این دوران مهمترین موضوع به ارث مانده از دوره گذشته که در قالب هویتی - ایدئولوژیک به سردی روابط دو طرف می انجامید، صدور فتوای مه‌دورالدم بودن سلمان رشدی بود که در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹) صادر گردیده بود. پیامدهای منفی این مساله در دوران آقای هاشمی رفسنجانی همچنان بر سیاست خارجی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران سایه افکنده بود.

در این خصوص آقای هاشمی رفسنجانی در یکی از مصاحبه های خود اعلام نمود: «فتوا یک مقوله مذهبی است نه سیاسی» وی از این طریق به صورت تلویحی به طرف اروپایی فهماند که حکومت نمی تواند آن را تغییر دهد، ولی هیچ ارگان دولتی رسمی فتوای قتل نویسنده انگلیسی را انجام نخواهد داد. (۱۸)

با وصف فوق هر چند سیاست آستی جویانه از سوی ایران در پیش گرفته شد ولی تغییرات عمیقی در روابط سیاسی دو طرف ایجاد نشد. زیرا برخی عوامل تنش همچنان باقی بودند. مهمترین اختلافات ایران و کشورهای اروپایی تحت تأثیر عوامل زیر بود:

۱. باقی ماندن حکم ارتداد و قتل سلمان رشدی.
۲. اعتراض مکرر کشورهای اروپایی به دولت ایران مبنی بر تعقیب مخالفان و انجام قتل های سیاسی در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی.

۳. مخالفت فعالانه ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل.

۴. نگرانی اروپا از دست یابی ایران به فناوری هسته ای از طریق همکاری با روسیه.

مشخصه بارز این دوره، تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران پس از خاتمه جنگ با عراق و تحولات پس از فروپاشی اتحاد شوروی است. از دیدگاه ایران، تداوم تنش با آمریکا و لزوم انتخاب جایگزین مناسب برای روابط با آمریکا، نیاز به بازسازی کشور پس از جنگ و الزام ورود دوباره به صحنه تحولات جهان ایجاب می کرد تا رویکرد همکاری با اروپا اتخاذ گردد. اتحادیه اروپا نیز با علم به تثبیت نظام جمهوری اسلامی و اهمیت استراتژیک ایران همراه با برخورداری از موقعیت ایده آل ژئوپلیتیک و ذخایر نفتی، طراحی روابط جدید با ایران را در دستور کار خود قرار داد.

این تحول ناشی از چند عامل اساسی نظیر درک موقعیت ایران پس از فروپاشی شوروی، سیاست

عملگراییانه ایران، کم رنگ تر شدن تصور تهدید از جانب ایران نزد کشورهای اروپایی و بی اثر بودن تحریم‌های اقتصادی و دشمنی‌های آمریکا بود. در چنین شرایطی، زمینه تحول در روابط ایران و کشورهای اروپایی فراهم شد.

در این راستا رهبران اروپایی تمایل داشتند که ضمن توسعه روابط دوجانبه، مذاکره با جمهوری اسلامی ایران را با طرح برخی سیاست‌ها و نگرانی‌های خود در مذاکرات دیپلماتیک دنبال کنند. حاصل چنین نگرشی، آغاز مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا تحت عنوان «گفتگوهای انتقادی» بود. (۱۹)

ریشه آغاز گفتگو با ایران به پس از اشغال کویت توسط عراق باز می‌گردد. بدنبال اتخاذ مواضع مناسب از سوی جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا لزوم عادی سازی روابط با تهران را احساس نمود. مهمترین دلیل این امر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه، ذخایر نفتی و تلاش اتحادیه اروپا برای یافتن پایگاهی مناسب در منطقه بود.

کشورهای اروپایی در خلال اجلاس چهل و پنجم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آبان ماه سال ۱۳۶۹، تمایل خود را به ملاقات با مقامات ایران ابراز کردند و بدنبال آن وزیر خارجه ایرلند به عنوان نخستین مقام عالی رتبه اروپایی به تهران سفر کرد و تمایل اروپا برای فعالتر نمودن مناسبات با ایران را اعلام نمود. (۲۰)

بدنبال آن در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) وزرای خارجه هلند، لوکزامبورگ و ایتالیا (تروئیکا) به ایران سفر کرده و آمادگی اتحادیه اروپایی در پایان اجلاس «ادینبورگ»^۱ در ۱۱ و ۱۲ دسامبر سال ۱۹۹۲ طی بیانیه ای بر لزوم گفتگوهای انتقادی با ایران با محوریت فتوای قتل سلمان رشدی، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، صلح خاورمیانه و حقوق بشر تأکید کردند. (۲۱)

آقای هاشمی رفسنجانی در واکنش به این بیانیه ضمن ابراز رضایت اعلام نمود: «اکنون مسائل و مشکلات عمده در روابط با کشورهای اروپای غربی مرتفع شده و مانعی برای توسعه این روابط وجود ندارد. ایشان همچنین با ارسال پیامی برای سران اتحادیه اروپا، آمادگی ایران را برای بحث و تبادل نظر جدی و صریح و انتقادی با اتحادیه اروپا و اعضای آن اعلام کردند.»

متعاقب آن سران اتحادیه اروپا در نامه ای با امضای نخست وزیر دانمارک به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه اروپا در ۱۷ فروردین ماه سال ۱۳۷۲ (۶ آوریل ۱۹۹۳) طی نامه ای به معاون اول رئیس جمهوری

بر لزوم گفتگوی طرفین تأکید نمودند. (۲۳) بدین ترتیب گفتگوهای انتقادی ایران و اتحادیه اروپا پایه ریزی شد و از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۶ در هفت دور به ترتیب در تهران، آتن، کپنهاگ، بن، پاریس و مادرید انجام شد و نتایج مثبت را نیز به بار آورد. مذاکرات انتقادی اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران با مخالفت آمریکا که خواهان منزوی ساختن ایران بود، روبه رو شد.

در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی تلاش‌های زیادی جهت ایجاد همگرایی مجدد ایران با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته شد. در این راستا ایران امیدوار بود بعد از سال ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا در موقعیتی قرار بگیرد که وزنه برابری را در مقابل ایالات متحده ایجاد نماید. اروپا نیز امیدوار بود که بتواند خلاء حضور خود در خاورمیانه را از طریق ایران جبران کند.

به همین دلیل پس از اعلام سیاست مهار دو جانبه کلیتون، اتحادیه اروپا از درخواست آمریکا مبنی بر مهار و انزوای ایران استقبال نکرد، زیرا اتحادیه اروپا برخلاف آمریکا خواستار انزوای ایران نبود. (۲۴)

مذاکرات دوجانبه تا آوریل سال ۱۹۹۷ به خوبی برگزار گردید، به گونه‌ای که در فوریه سال ۱۹۹۷ وزارت امور خارجه ایتالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا با جدیت ادامه می‌یابد.» (۲۵) اما از آوریل سال ۱۹۹۷ به بعد روابط ایران و اتحادیه اروپا به شدت تحت تأثیر جنجال دادگاه میکونوس در مورد محکومیت برخی مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران به اتهام مشارکت در ترور چهار تن از رهبران کرد ایرانی در رستوران میکونوس در سال ۱۹۹۲ و تحت تعقیب قرار دادن آنها قرار گرفت. رای این دادگاه در آلمان باعث شد تا بدترین بحران در روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از فتوای قتل سلمان رشدی در سال ۱۹۸۹ بوجود آید.

این موضوع موجب گردید که اولاً فضای کاملاً خصمانه‌ای بر روابط ایران و آلمان و در نتیجه مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی پدید آید و ثانیاً گفتگوهای انتقادی با بن بست مواجه گردد. در پی این امر، شورای وزیران اتحادیه اروپایی در ۲۹ آوریل سال ۱۹۹۷ در بیانیه‌ای اعلام نمود که:

۱. دلیلی برای ادامه گفتگوهای انتقادی با ایران وجود ندارد.

۲. تماس‌ها در سطح وزرای امور خارجه قطع شود.

۳. به ماموران مظنون ایرانی روایت‌ها ارائه نگردد.

۴. سفرای اتحادیه اروپا برای پاره‌ای مشورت‌ها تهران را ترک کنند. (۲۶)

در پاسخ به بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا، وزارت امور خارجه ایران نیز بیانیه‌ای شدید‌الحن صادر

نمود که از جمله مهمترین بخشهای آن عبارت بودند از اینکه: «جمهوری اسلامی ایران درخواست اتحادیه اروپایی در اجلاس سران ادینبورگ، در سال ۱۳۷۱ برای شروع مذاکره را با هدف اصلاح و تغییر رفتار کشورهای اروپایی در موارد زیر پذیرفت:

۱. برخورد توهین آمیز آنها با دنیای اسلام.

۲. پناه دادن این کشورها به تروریستها.

۳. استانداردهای دوگانه و نقض حقوق بشر از سوی این کشورها.

۴. بیگانه ستیزی.

۵. حمایت از رژیم صهیونیستی.

۶. تضییع حقوق اقلیت های مسلمان.

۷. اشاعه و ارائه تسلیحات کشتار جمعی.

جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و مبانی ارزشی خود، عدول هیچ کشوری از موازین بین المللی و اصول احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی را نپذیرفته و پاسخ مناسب و متقابل خواهد داد. نحوه برخورد دولتها با جنجال های تبلیغاتی اخیر به دقت بررسی و ثبت خواهد شد و در تنظیم روابط آتی در ابعاد مختلف لحاظ خواهد گردید.

همانطور که قبلا نیز به صورت رسمی اعلام شد، با توجه به برخورد فاقد حسن نیت و استقلال سیاسی اتحادیه اروپایی در تداوم گفتگوهای انتقادی، همزمان جمهوری اسلامی ایران نیز از هر گونه مذاکره با اتحادیه اروپا پیرامون موضوعات حقوق بشر، تروریسم و تسلیحات شیمیایی، هسته ای و متعارف خودداری خواهد کرد.» (۲۷)

متعاقب این موضوع، جمهوری اسلامی ایران نیز سفرای خود را از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی فراخواند و فضای شدید تبلیغات منفی رسانه‌ای در روابط طرفین حاکم گردید و روابط سیاسی با رکورد دوباره مواجه گردید و روابط به تیرگی گذاشت.

۳-۴. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ (۲۰۰۱ - ۱۹۹۷)

همانگونه که ذکر شد، تبعات اقدام دادگاه آلمانی موجب تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران با آلمان

و دیگر کشورهای اروپایی شد ولی پس از یک وقفه هفت ماهه و بدنبال پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ (۲۳ می ۱۹۹۷)، سفرای اروپایی در نوامبر سال ۱۹۹۷ به تهران مراجعت نموده و دور دیگری از تنش بین ایران و اتحادیه اروپا به پایان رسید. ویژگی مهم این دوره اتخاذ سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌ها به عنوان هسته اصلی سیاست خارجی خاتمی بود که موجب تحول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بویژه درقبال کشورهای اروپایی و همسایگان گردید.

ایشان در مناسبت‌ها و مقاطع مختلف ابعاد و زوایای این مفهوم را تشریح کردند. وی در جمع سفرای خارجی مقیم تهران اظهار داشت: «درعرصه بین‌المللی ملت ایران خواستار تشنج زدایی و صلح است. ما خواستار ایجاد رابطه بر اساس احترام متقابل و البته براساس منافع خودمان با همه جهان هستیم. اصل تنش زدایی و صلح بین‌المللی برای ما یک اصل جدی است و نظام دیپلماسی ما بر این اساس فعال بوده و فعالتر هم خواهد شد.» (۲۸)

ایشان در جایی دیگر هدف خود از اتخاذ سیاست تنش زدایی را اینگونه تشریح کردند: «هر چه ما تنش میان کشورها را کاهش دهیم، زمینه برای پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این جامعه را بیشتر فراهم آورده‌ایم. جوامعی که در تنش به سر برده و خود را در معرض تهدید قرار می‌دهند، به جای اینکه توان انسانی، انرژی مادی و درآمدهای خود را صرف پیشرفت و ارتقای سطح زندگی جامعه کنند، صرف مقابله با دشمن خواهند کرد...»

سیاست تنش زدایی پایه استوار امنیت و ثبات است، راهبردی سنجیده است و جمهوری اسلامی ایران از مواضع اقتدار بر آن تأکید می‌کند... ما امروز بهترین وضعیت را داریم و از پیشرفت روابط با اتحادیه اروپا استقبال می‌کنیم و امیدواریم در آینده شتاب بیشتری بگیرد.» (۲۹)

محمد خاتمی سیاست تنش زدایی را مقدمه گفتگوی تمدن‌ها می‌دانست. سیاستی که بر این پایه استوار گردیده بود که می‌توان از طریق گفتگو و نه جنگ، مشکلات بشریت و جهان کنونی را حل و فصل نمود. در مجموع سیاست تنش زدایی، تغییر در فضای سیاسی و تحول در ادبیات سیاسی مقامات ایرانی منجر به دگرگونی در روابط شد که از آن جمله تبادل هیات‌های متعدد در سطوح مختلف، شکل‌گیری مذاکرات فراگیر و سازنده، آغاز مذاکرات مربوط به «موافقت‌نامه همکاری و تجارت»، مذاکرات حقوق بشری و رایزنی در خصوص تحولات منطقه بویژه در خصوص افغانستان، عراق و روند صلح خاورمیانه است.

در همین راستا «در یک فاجت» معاون وزیر امور خارجه انگلیس در ژانویه سال ۱۹۹۸، اعلام کرد،

اتحادیه اروپا آماده است موضوع سفر مقام های اروپایی در سطح معاون وزیر به ایران را با خوش بینی و تمایل بررسی کند. سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز گفت: «اینکه تلاش های ایران و اتحادیه اروپایی در دوره ریاست انگلیس منجر به ارتقای درک دو طرف از مواضع یکدیگر شده و زمینه لازم برای آغاز مذاکرات همه جانبه میان ایران و اتحادیه اروپا فراهم شده، موجب خرسندی است.» (۳۰)

مذاکرات فراگیر پس از آن شکل گرفت که جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا اولاً با توجه به تحولات صورت گرفته و ثانیاً با توجه به نارضایتی از نتایج گفتگوهای انتقادی خواستار گسترش این گفتگوها شدند. در همین خصوص «لامبرتودینی» وزیر خارجه وقت ایتالیا اعلام کرد: «گفتگوهای انتقادی با ایران موفقیت آمیز نبوده و اتحادیه اکنون بدنبال گفتگوهای باز با ایران است.» (۳۱)

در ادامه شورای اتحادیه اروپا در اجلاس ۱۴ مارس سال ۱۹۹۸ خود در اسکاتلند، تداوم روند مثبت روابط و از سرگیری دیدار مقامات دو طرف را مورد تأکید قرار داد و در اجلاس ۳۱ مارس همان سال، شورا از رئیس دوره ای اتحادیه اروپایی خواست تمهید برگزاری نخستین دور گفتگوهای فراگیر با ایران را فراهم کند. متعاقباً در بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا در تاریخ ۹ ژوئن سال ۱۹۹۸ در لوکزامبورگ اعلام شد که گفتگوهای فراگیر با ایران به زودی آغاز می گردد. این مذاکرات از ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۸ حول محورهای دو جانبه، منطقه ای و بین المللی آغاز شد. طی ۹ دور گفتگوهای فراگیر در تهران و پایتخت های اروپایی محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

۱. همکاری های دوجانبه در زمینه انرژی، مبارزه با مواد مخدر، مهاجرت، محیط زیست، گروه های کاری مشترک، تجارت و سرمایه گذاری، حمل و نقل و موافقت نامه تجارت و همکاری.
۲. موضوعات منطقه ای در زمینه مسائل مربوط به افغانستان، لبنان، صلح خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و بالکان.
۳. موضوعات بین المللی شامل حقوق بشر، خلع سلاح، سلاح های کشتار جمعی، گفتگوی تمدن ها و مبارزه با تروریسم. (۳۲)

علاوه بر انجام گفتگوهای فراگیر، مقامات اتحادیه اروپا نیز طی سفر به ایران به رایزنی در خصوص مهمترین مسائل دوجانبه پرداختند. سفرهای متعدد، وزرای اروپایی، خاور سولانا مسئولیت سیاست خارجی اتحادیه اروپا، کریس پاتن کمیسیونر سیاست خارجی اتحادیه و نمایندگان پارلمان اروپا بیانگر اهمیتی است که نهادهای مرتبط با سیاست خارجی اروپا برای روابط با ایران قائل هستند.

در حقیقت چند عامل در این برهه زمانی در تصمیم اروپا نقش داشت که عبارتند بودند از:

۱. نگرانی اروپا به خاطر از دست دادن یک شریک تجاری و سیاسی در منطقه و نیز واکنش در برابر قوانین فرامرزی آمریکا نظیر قانون داماتو.

۲. جو شفاف سیاست خارجی ایران و تأکید بر اصل همزیستی مسالمت آمیز و تنش زدایی در روابط خارجی.

۳. قدرتی که اتحادیه اروپا بعد از بهبود روابط با ایران می توانست در خلیج فارس و آسیای مرکزی بدست آورد.

۴. گفتگو در حوزه ها و دغدغه های مشترک سیاسی، امنیتی و هویتی اروپا و ایران. (۳۳)

در این دوران اعضای اتحادیه اروپا در مقابل استراتژی مهار ایران که توسط ایالات متحده دنبال می شد، با برقراری تماس و ارتباط با ایران سعی در آگاهی دقیق تر از نیت های ایران، تعدیل رفتار این کشور از طریق گفتگو، مذاکره و درگیر کردن آن در فرآیند عادی سازی مناسبات منطقه ای و بین المللی داشتند. این سیاست که به سیاست «درگیر سازی»^۱ مرسوم بوده و عمدتاً توسط دولتهای اروپایی دنبال شده است، در عین داشتن نگرانی در مورد نیت ها، توانایی ها و رفتار ایران در مجموع در خصوص میزان خطر و تهدید ایران تفاوت آشکاری با سیاست کشورهای دیگری داشت که تهدید ایران را گسترده می دیدند.

لذا طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ روابط با اروپا به مرور توسعه یافته و بعد از حل مشکلات گذشته در یک سیر صعودی قرار گرفت. ریاست جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار از سه کشور ایتالیا، فرانسه و آلمان رسماً دیدار کرد و در سطح دیگر، تعاملات سیاسی میان وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی و ایران گسترش یافت. (۳۴)

روابط میان ایران و اتحادیه اروپا حتی در نیمه دوم سال ۱۳۸۰ که بدنبال وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ موجب آشفتنگی فضای نظام بین المللی شده و ایران نیز به عنوان کشور حامی تروریسم توسط آمریکا مطرح و توسط جورج دبلیو بوش در «محور شرارت»^۲ قرار گرفت، چندان متشنج نگردید و این امر حاکی از روابط دو جانبه مطلوب میان طرفین در این مقطع زمانی بود.

1- Engagement

2- Axis of evil

۳-۵. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ - ۲۰۰۲)

اروپا معتقد بود که ایران پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ عملکرد مناسب و قابل دفاعی داشته است. در این رابطه معاون وزیر امور خارجه انگلستان در واکنش به اتهامات بوش بر علیه ایران اعلام کرد: «ما شریک دغدغه های آمریکا هستیم لیکن بر این باوریم که بهترین راه برای حل و فصل مشکلات با ایران گفتگو است.» (۳۵)

در این زمان دولتهای اروپایی از ادعاهای آمریکا مبنی بر پناه دادن ایران به اعضای القاعده حمایت نمی کردند و با اتهام های آمریکا به ایران در حمایت از تروریسم موافق نبودند.

روند روابط رو به رشد طرفین در سال ۱۳۸۱ نیز علی رغم تبلیغات شدید آمریکا علیه ایران ادامه یافت. از مهمترین پیشرفت ها در روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا در این مقطع گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق در فهرست گروه های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا بود. در این رابطه معاون وزارت خارجه ایتالیا ضمن تأکید بر دیدگاه اتحادیه اروپا مبنی بر هویت و عملکرد تروریستی مجاهدین گفت: «بر اساس اسناد و مدارک موجود، این گروه با استفاده از فعالیت های مسلحانه، خشونت آمیز و سوء قصد علیه اهداف غیر نظامی، عملیات تروریستی انجام می دهند. دلیل اصلی موضع اتحادیه اروپا، عملیات مسلحانه و تروریستی این گروه است.» (۳۶)

اتحادیه اروپا همچنین در گزارش فوریه سال ۲۰۰۲ کمیسیون اروپایی، ادامه گفتگوها با ایران درباره موضوعات زیر را ضروری دانست:

۱. موضوعات جهانی (تروریسم، حقوق بشر و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی)

۲. موضوعات منطقه ای (عراق، افغانستان، لبنان و صلح خاورمیانه)

۳. زمینه های همکاری (مواد مخدر، پناهندگان، انرژی، سرمایه گذاری و تجارت) (۳۷)

در ادامه روند بهبود مناسبات تهران و بروکسل، در ۱۷ ژوئن سال ۲۰۰۲ کمیسیون اروپا با تصویب بیانیه ای که در اجلاس ماه می سال ۲۰۰۱ به تصویب شورای وزیران رسیده بود، چشم انداز و شرایط توسعه روابط با ایران را مشخص نمود. این اقدام زمینه ساز آغاز مذاکرات مربوط به سند «توافق نامه همکاری و تجارت» بود. گزارش کمیسیون اروپا در واقع بیانگر چارچوب دیدگاه های اتحادیه نسبت به حدود و امکانات روابط با جمهوری اسلامی ایران بود. در این متن موارد زیر مورد توجه قرار گرفته بودند:

۱. پس از رویداد ۱۱ سپتامبر تفاهم بهتر میان جهان اسلام و غرب به یک مولفه اساسی در نبرد با تروریسم و ایجاد یک صلح با ثبات و دراز مدت درآمده است. لذا می بایستی به صورت جدی از گفتگوی نزدیک میان اتحادیه اروپا و ایران در جهت کمک به این روند مورد نظر و گسترده پشتیبانی نمود.

۲. تأکید بر تشویق و تقویت اصلاحات سیاسی و اقتصادی در ایران. بر این اساس برای حصول این امر می باید اصول دموکراسی و حاکمیت قانون مورد تأیید ایران قرار گیرد.

۳. استقبال از پذیرش آیین نامه ۴/۱۴ در ژوئیه سال ۲۰۰۰ پیرامون آزاد سازی بیشتر اقتصادی و آغاز گفتگو و مذاکره بر سر عضویت در سازمان تجارت جهانی.

۴. استقبال از تصویب لایحه سرمایه گذاری خارجی از سوی مجلس ایران.

۵. باور به اینکه حرکت به سمت و سوی این توافق نامه می باید تدریجی و بر اساس پیشرفت های حاصله از سوی ایران در حیطه های مورد علاقه اتحادیه اروپا باشد و دیگر آنکه کمیسیون و شورا می باید به صورت مرتب پیشرفت های مزبور را با توجه به شاخص ها در حوزه های حاکمیت قانون، حقوق اقلیت ها، آزادی مطبوعات و سیاست امنیتی و خارجی مورد بررسی قرار دهد. (۳۸)

در این زمان عمده ترین مسائل میان ایران و اتحادیه اروپا متأثر از تحولات نظام بین الملل در محورهای مبارزه با تروریسم، مساله حقوق بشر، مساله اشغال افغانستان (۲۰۰۲) و عراق (۲۰۰۳) و مقوله فعالیتهای هسته ای ایران بود. اتحادیه اروپا بر سر رعایت حقوق بشر در ایران مذاکره می کرد و انتقاداتی را مطرح می نمود که کماکان ادامه دارد. هر چند نهایتاً بتدریج حقوق بشر در مذاکرات کمرنگ شد و فعالیتهای هسته ای ایران در گفتگوهای تهران و بروکسل تمامی مسائل گذشته را تحت تأثیر قرار داد و می توان گفت که روند روابط به رشد روابط ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ و بدلیل مخالفت گسترده اتحادیه اروپایی با برنامه صلح آمیز هسته ای ایران متوقف شد.

در این زمان مقامات اتحادیه اروپا در مناسبت های مختلف خواستار توقف و انصراف ایران از برنامه های هسته ای بودند. در این باره «خاویر سولانا» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مصاحبه ای در مورخ ۲۴ آوریل سال ۲۰۰۴ اظهار داشت: «اتحادیه اروپا آماده است تا با ایران روابط بنیادینی برقرار کند و بر اساس آن قرار دادهای اقتصادی و بازرگانی منعقد نماید. اما این آمادگی مشروط به این خواهد بود که ایران در مورد شرایط حقوق بشر در کشور، مبارزه با تروریسم و روند صلح خاورمیانه گام هایی بردارد و فعالیتهای هسته ای خود را نیز به صورت دائمی به حالت تعلیق درآورد.» (۳۹)

در این دوران از سال ۲۰۰۳ به بعد گفتگوهای تهران با نمایندگان اتحادیه اروپا یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان (تروئیکای اتحادیه اروپا) در خصوص برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی ایران تمامی ابعاد روابط را تحت تأثیر قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران خواستار برخورداری از حقوق هسته ای خویش برای استفاده از فناوری صلح آمیز هسته ای در علوم مختلف است اما اتحادیه اروپایی در کنار ایالات متحده بدلیل برخی مسائل سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک با این موضوع به شدت مخالفت کرده و خواستار توقف برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی ایران می باشد. زیرا اروپاییان معتقدند که اولاً دست یابی ایران مجهز به ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مذهب تشیع به فناوری هسته ای این کشور را به قدرت برتر منطقه خاورمیانه مبدل خواهد کرد و بر روند صلح خاورمیانه تأثیر منفی خواهد داشت و ثانیاً ایران هسته ای موقعیت گروه هایی نظیر حزب الله لبنان که به زعم آنها در زمره گروه های تروریستی قرار دارند را تقویت خواهد کرد.

این عوامل حاکی از تداوم نقش سوء برداشت ها و ذهنیت های منفی گذشته از جمهوری اسلامی ایران و ادامه تضادهای هویتی - ایدئولوژیک دو جانبه در موضوع هسته ای می باشد.

این تضادها با تغییر دولت سید محمد خاتمی و انتخاب محمود احمدی نژاد در انتخابات سوم تیر سال ۱۳۸۴ (ژوئن سال ۲۰۰۵) تشدید گردید و در مقطعی به قطع گفتگو با اتحادیه اروپا انجامید. با روی کار آمدن دولت نهم جمهوری اسلامی ایران، تیم مذاکره کننده هسته ای تغییر کرد و با ورود علی لاریجانی به عنوان مسئول پرونده هسته ای، اعلام گردید که جمهوری اسلامی ایران سیاست فعالتری را در این خصوص اتخاذ خواهد نمود و بیشتر با آژانس بین المللی انرژی اتمی کار خواهد کرد.

نخستین اقدام تیم جدید مخالفت با بسته مشوق های اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا در قبال تعلیق فعالیت های غنی سازی اورانیوم بود. همچنین اعلام شد که ایران با قدرت و جدیت فعالیت های هسته ای خود را دوباره آغاز و تداوم خواهد بخشید. در همین راستا فعالیتهای غنی سازی اورانیوم که در اواخر دولت آقای خاتمی به صورت محدود شروع شده بود، گسترش پیدا کرد و با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت نقش اتحادیه اروپا کم رنگ تر از گذشته گردید.

در این دوران موضع گیری های دولت جدید در خصوص اسرائیل و هولوکاست نیز موجب انتقاد اتحادیه اروپا از سیاست های ایران گردیده است.

نتیجه

به عنوان یک واقعیت باید پذیرفت که پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ نگرانی‌های امنیتی که عموماً ناشی از تضادهای هویتی - ایدئولوژیک می‌باشند، در روابط ایران و اتحادیه اروپا از نقش مهمی برخوردار شده‌اند. در این رابطه «عباس عراقچی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ضمن توجه به نگرانی‌های مشروع امنیتی دو جانبه و نیز تضادها و سوء برداشتهای هویتی - ایدئولوژیک در میزگرد مشترک با بنیاد علم و سیاست آلمان اظهار داشته است که:

«برخی چالش‌های نظری نظیر «سوء برداشت^۱»، «سوء تفاهم^۲» و «قضای ناعادلانه^۳» همچنان بر روابط ایران و اروپا حکمفرماست. وی معتقد است دو عامل دیگر یعنی «نقش آمریکا» در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا و «آثار نه‌چندان مطلوب گسترش اتحادیه و اعضای آن» نیز در این زمینه نقش بازدارنده داشته‌اند.» (۴۰)

به چالشهای فوق می‌بایستی برخی گلیه‌های ایران نظیر برخی حمایت‌های اتحادیه اروپا از سازمان مجاهدین خلق و تروریستهای مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران، اعمال تبعیض در روابط تجاری و اقتصادی بویژه عدم صدور تکنولوژی نوین به ایران، عدم همراهی و مساعدت کافی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با ترانزیت مواد مخدر و تضییع حقوق مسلمانان در برخی کشورهای اروپایی را نیز افزود.

آنچه بوضوح در سیاست خارجی دولت دکتر احمدی نژاد قابل مشاهده است، پررنگ تر شدن نقش هویت انقلابی و اسلامی در سیاست خارجی و بازگشت به ادبیات سیاسی ابتدای انقلاب در سیاست خارجی می‌باشد. در این سیاست منافع ملی دارای ماهیت مادی نمی‌باشد، بلکه منافع ملی به صورت غیر مادی و در حوزه گسترده‌ای به نام منافع جهان اسلام و منافع ملت‌های مظلوم تعریف می‌شود. این سیاست موجب ارتقای مجدد نقش عوامل هویتی - ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده و در نتیجه به تضادهای هویتی - ایدئولوژیک و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا که در حال کمرنگ تر شدن تدریجی بود، مجدداً دامن زده است.

1- Misperception
2- Misunderstanding
3- Misjudgment

ردیف	مورد مقایسه	روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا ۱۹۸۹ - ۱۹۷۹	روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا ۱۹۹۷ - ۱۹۹۰	روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا ۲۰۰۱ - ۲۰۰۷
۱	تعرض به مراکز سیاسی و اقتصادی طرفین	به دفعات مکرر	به دفعات مکرر	-----
۲	فتوای قتل سلمان رشدی	عامل قطع روابط طرفین	تأثیر گذار منفی بر روابط طرفین و تلاش برای تغییر در نگرش ایران به موضوع قتل سلمان رشدی	تأثیر گذار بر روابط طرفین بوئیه پس از اعطای لقب شوالیه در ژوئن سال ۲۰۰۷ از جانب ملکه انگلیسی به سلمان رشدی
۳	قطع روابط	قتل سلمان رشدی	اعلام رای دادگاه میکونوس	-----
۴	تحریم های اقتصادی	پس از حادثه گروگانگیری در تهران و دوران جنگ عراق علیه ایران	کاهش حجم تحریم های اقتصادی ورود به بازار ایران	تداوم روابط اقتصادی عدم حمایت از تحریم های آمریکا و سرمایه گذاری در ایران
۵	فرآیند صلح اعراب و اسرائیل	عامل اختلاف طرفین	عامل اختلاف طرفین	عامل اختلاف طرفین پس از تشکیل دولت نهم در جمهوری اسلامی ایران
۶	سطح ملاقات ها	مقامات درجه دوم سوم و معاونین وزرای خارجه	وزرای امور خارجه	دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزرای خارجه
۷	نحوه گفتگوها	-----	گفتگوهای انتقادی	گفتگوهای فراگیر و سازنده
۸	مسائل مناقشه برانگیز	مسائل هویتی - ایدئولوژیکی، حمایت ایران از مستضعفین و ملت فلسطین و مقابله با استکبار، جنگ عراق بر علیه ایران	تداوم مسائل هویتی - ایدئولوژیکی، حقوق بشر، تروریسم، صلح خاورمیانه	کاهش تضادهای ایدئولوژیکی و هویتی، مذاکره در خصوص دغدغه های فیما بین و به خصوص هسته ای
۹	تبلیغات رسمی و رسانه ای	تبلیغات خصمانه علیه یکدیگر	تبلیغات خصمانه اما کنترل شده	آمیزه ای از تبلیغات خصمانه و دوستانه
۱۰	مواضع آمریکا در قبال روابط ایران و اروپا	هماهنگی سیاست آمریکا و اروپا	هماهنگی نسبی سیاست اروپا و آمریکا	تضاد و عدم هماهنگی با مواضع آمریکا در برخی مسائل

یادداشت‌ها

- ۱- سعید خالو زاده، «ارزیابی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی»، *کتاب اروپا (۲)*، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۹.
- 2- Communication of 7 February 2003 From The Commission to the European Parliament and Council on Relations With the Islamic Republic of Iran.
Available at: <http://www.Euc.Com/Eu Documents/22/feb/2003.htm>.
- 3- Peter Shearman and Matthew Sussex, *European Security After 9/11*, (Enqland: Ashgate publishing, 2004), P.18.
- 4- Report of European Commission to the European Council and European Parliament Available at: <http://www.Euc.com/Eu documents/20/Feb/2004>.
- ۵- کابک خبیری، «آینده تعاملات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، *گاهنامه برداشت اول*، سال دوم، شماره هفتم، ۱۳۸۳، صص ۵۹ - ۵۸.
- ۶- محمد قلی میناوند، *ایران و اتحادیه اروپا، کنکاشی در سیاست گذاری ها*، (تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، ۱۳۸۵)، صص ۸۱ - ۸۰.
- 7-<http://www.Europa.eu.int/comm./External-Relations/Iran/News/22/feb/2003>.
- 8-<http://www.Europa.eu.int/comm./External-Relations/Iran/News/21/june/2006>.
- ۹- علی آهنی، *روند شکل گیری اتحادیه اروپایی و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اروپا* (تهران: دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، ص ۱۳.
- ۱۰- وزارت امور خارجه، *بررسی سیر تحولات روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی*، اداره غرب اروپا، ۱۳۷۹/۶/۱۲، ص ۷.
- ۱۱- مهدی اسکندریان، «تاملی بر روابط ایران و اتحادیه اروپایی»، *گزیده تحولات جهان*، موسسه فرهنگی و مطالعات بین المللی ابرار معاصر تهران، شماره ۵، ۱۳۸۳، ص ۶۲.
- ۱۲- وزارت امور خارجه، *پیشین، بررسی سیر تحولات روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی*، ص ۸.

◇ مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

13-Anoshirvan Ehteshami and Mansour Varasteh, «Iran and European Community», *in Iran and the International Community* (London: Routledge, 1991), P. 60.

14-Eefire Blankevoort, «Eu–Iran Relations 1979-2002», *Paper for International Relations Course on Iran* (Amsterdam University: February- march 2002), P5.

15-*Ibid*, P. 6.

16-Van de Pas, «Confrontation: IR of Iran Foreign Policy toward Western Europ 1990-2000», *M.A Thesis*, Amsterdam University, Winter 2002, P. 42.

۱۷- اصغر جعفری ولدانی، «روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۴، شماره ۱۹۸ - ۱۹۷، ص ۴۰.

18- Gawdat Bahgat, «Iran and Terrorism: The Transatlantic Responses», *Studies in Conflic and Terrorism*, (USA: Taylor and Francis, 1993), P. 148.

۱۹- منوچهر مرادی، چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا، در تامین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵)، ص ۹۴.

۲۰- علی رحمانی و سعید تائب، گفتگوهای ایران و اروپا (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵)، صص ۹ - ۸.

۲۱- محمود دهقان طرزجانی، روابط خارجی ایران و همسایگان در دهه دوم انقلاب اسلامی، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۹)، ص ۳۰.

۲۲- بهرام نوزانی، گاه شمار سیاست خارجی ایران، از مرداد ۱۳۶۷ تا خرداد ۱۳۸۰، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۷۷.

۲۳- همان.

24- Anoshirvan Ehteshami, *After Khomeini: Second Republic* (London: Routledge, 1995), P. 164.

۲۵- وزارت امور خارجه، روز شمار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۶ - ۱۳۷۵، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶)، ص ۱.

۲۶- طرزجانی، *پیشین*، صص ۳۴ - ۳۳.

۲۷- سید حسین موسویان، *چالشهای روابط ایران و غرب، بررسی روابط ایران و آلمان*، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵)، ص ۲۳۰.

۲۸- سید محمد خاتمی، *انسان ملتقای مشرق جان و مغرب عقل* (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹)، صص ۴۸ - ۴۷.

۲۹- سید محمد خاتمی، *مردم سالاری* (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰)، صص ۱۳۱ - ۱۳۰.

۳۰- اردشیر سنایی، «تنش زدایی در روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا»، *مجله برداشت دوم*، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۳، ص ۶۳.

۳۱- مرادی، *پیشین*، ص ۹۷.

۳۲- همان.

۳۳- زیبا فرزین نیا، «کارآمدی گفتگوی تمدن ها در سیاست خارجی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸، ص ۳۱۷.

۳۴- سید محمد کاظم سجادی پور، «سرنوشت ایران و آمریکا در دوران خاتمی، درس هایی برای سیاست خارجی ایران»، *در سیاست خارجی ایران از منظر صاحب نظران*، گرد آوری و تدوین: مهدی ذاکریان (تهران: همشهری، ۱۳۸۰)، صص ۲۰۱ - ۱۹۹.

۳۵- «شکاف میان اروپا و آمریکا بر سر ایران»، *همشهری دیپلماتیک*، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳ بهمن ۱۳۸۰، ص ۵.

۳۶- اردشیر سنایی، *پیشین*، ۶۶.

37- Report of European Commission to the European Council, Available at: [http:// www. Euc. Com/ Eu Documents/ Feb/ 2002. htm](http://www.Euc.Com/Eu Documents/ Feb/ 2002. htm).

38- Report of European Commission to the European Council, Available at: <http:// www. Eus. Com/ Eu Documents/ June/ 2002. htm>.

39- <http:// www. Europa. Eu.int/ comm./ External- Relations/ Iran Issues /24/ April/ 2004. htm>.

۴۰- مرادی، *پیشین*، ص ۱۰۲.